

پرسش ۸۲: معنای آیهی (وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ....)

سؤال / ۸۲: ما معنی قوله تعالى: (وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ) [253]؟

معنای این فرموده‌ی خداوند متعال چیست: (و آن هنگام را که موسی (علیه السلام) به قوم خود گفت: ای قوم من! شما به آن سبب که گوساله را پرستیدید، بر خود ستم روا داشتید. اینک به درگاه آفریدگارتان توبه کنید و یکدیگر را بکشید، که چنین کاری نزد آفریدگارتان ستوده‌تر است. پس خدا توبه‌ی شما را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است). [254]

الجواب: طلب موسی (علیه السلام) من قومه أن يقتلوا أنفسهم الأمانة بالسوء، وأن يقتلوا العقيدة الفاسدة التي انطوت عليها أنفسهم، إضافة إلى قتل الأبدان.

پاسخ: موسی (علیه السلام) از قوم خود خواست که نفس‌های اماره به بدی خود را و نیز عقیده فاسدی را که نفس‌هایشان در آن غوطه‌ور شده بود، بکشند؛ و این، علاوه بر کشتن بدن‌ها بود.

وقصة السامري والعجل لابد لكل مسلم أن يطلع عليها ويتعظ بها، فالسامري في هذه الأمة هو: العالم غير العامل الضال الذي يحرف دين الله، والعجل هو العقيدة الفاسدة والضلال الذي ينشره علماء سوء بين الناس.

هر مسلمانی باید از داستان سامری و گوساله مطلع باشد و از آن پند گیرد. سامری در این امت عبارت از عالم بی‌عامل گمراهی است که دین خدا را تحریف می‌کند، و گوساله هم، همان عقیده‌ی فاسد و گمراهی است که علمای سوء بین مردم منتشر می‌کنند.

وحرّی بكل مسلم أن یراجع نفسه لئلا یبعث یوم القيامة من أتباع السامري العالم غیر العامل الضال، ولئلا یبعث یوم القيامة من عبدة العجل. عن حذیفة عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) أنه قال: (وأنتم أشبه الأمم سمناً ببني إسرائيل لتركبن طریقهم حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة، غیر أنني لا أدري أتعبدون العجل أم لا؟) ([255]).

شایسته است هر مسلمانى به نفس خویش رجوع کند تا مبادا در روز قیامت از پیروان سامري عالم بی عمل گمراه باشد، و مبادا در روز قیامت در زمره ی پرستندگان گوساله برانگیخته گردد. از حذیفة از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که آن حضرت فرمود: (و شما شبیه ترین امت ها به بنی اسرائیل هستید، و هر آینه گام به گام طریق آنها را پی خواهید گرفت، جز اینکه نمی دانم آیا گوساله را نیز پرستش خواهید کرد یا نه؟). ([256]).

و العالم الذی يعطل الجهاد الدفاعي سامري هذه الأمة، وتعطيل الجهاد الدفاعي عجل يعبد من دون الله. فالأولى بالمسلمين أن يتوبوا إلى بارئهم، ويقتلوا أنفسهم في سبيل الله، ويجاهدوا بأموالهم وأنفسهم لإعلاء كلمة الله، لا أن يعبدوا العجل ويتبعوا السامريين علماء الضلالة غير العاملين، الذين حرفوا شريعة الله سبحانه وتعالى، وبدلوا نعمة الله كفراً، والذين يود أحدهم لو يعمر ألف سنة، والذين قال فيهم تعالى: (مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا) ([257])، أي القرآن لأنهم لم يحملوا القرآن الذي جاء فيه: (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ) ([258])، أي إن الملك يُعَيِّته الله وليس الناس بالانتخاب الذي أقروه علماء الضلالة، ولأن القرآن هو الدستور لا أن الدستور يضعه الناس كما أقر علماء الضلالة. (كَمَثَلِ الْحَمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) ([259]).

عالمی که جهاد دفاعی را تعطیل می کند، سامری این امت است، و تعطیل کردن جهاد دفاعی، همان گوساله ای است که به جای خداوند پرستیده می شود. سزاوارتر برای مسلمین آن است که به درگاه پروردگار خویش توبه کنند و خود را در راه خدا بکشند و با اموال و جان های خود در راه برافراشتن کلمه ی الله جهاد کنند؛ نه اینکه

گوساله را بپرستند و سامری‌ها - علمای گمراه بی‌عامل - را پیروی نمایند؛ همان کسانی که شریعت خداوند سبحان و متعال را تحریف کردند و نعمت خدا را به کفر بدل ساختند؛ همان کسانی که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر کند؛ همان کسانی که خدای تعالی درباره‌شان می‌فرماید: (مَثَلُ كَسَانِي كِه تورات بر آنها تحمیل گشته است ولی به آن عمل نمی‌کنند) ([260])؛ یعنی قرآن، زیرا آنها به قرآنی که در بین‌شان آمده است عمل نکردند: (بگو: بارخدا یا! تویی دارنده‌ی مُلک و پادشاهی. به هر که بخواهی مُلک می‌دهی) ([261])؛ یعنی مُلک (پادشاهی) را خداوند تعیین می‌کند و نه مردم با انتخاباتی که علمای گمراهی بر آن صحّه گذاشته‌اند؛ چرا که قرآن، قانون است، نه اینکه مردم، قانون وضع کنند همان طور که علمای گمراهی چنین کرده‌اند: (مَثَلُ آن خر است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند بد داستانی است داستان مردمی که آیات خدا را دروغ می‌شمرده‌اند و خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند). ([262])

فهؤلاء العلماء غير العاملين يُكذبون بآيات الله ويعطلون القرآن، فلا يقرون أنّ الحاكم يُعَيِّته الله لا الناس، ولا يعترضون على الانتخابات الباطلة بنص قرآني فرقاني محكم لا اختلاف فيه، فهم بإقرارهم بالانتخابات يقرون لمن اغتصب حق أمير المؤمنين علي(عليه السلام).

پس این علمای بی‌عمل، آیات الهی را تکذیب و قرآن را تعطیل می‌نمایند. آنها به اینکه حاکم را خداوند معین می‌سازد نه مردم، اقرار نمی‌کنند، و با توجه به متن آشکار قرآنی جدا کننده‌ی (حق و باطل) محکم که اختلافی در آن نیست، به انتخابات باطل اعتراضی نمی‌کنند. آنها با گردن نهادن به انتخابات، بر کسانی که حق امیر المؤمنین علی(علیه السلام) را غصب کردند مهر تأیید می‌زنند.



[253] - البقرة : 54.

[254] - بقره: 54.

[255] - بحار الأنوار : ج 53 ص 141، الكشاف للزمخشري : ج 1 ص 616.

[256] - بحار الانوار: ج 53 ص 141؛ كاشف زمخشري: ج 1 ص 616.

[257] - الجمعة : 5.

[258] - آل عمران : 26.

[259] - الجمعة : 5.

[260] - جمعه: 5.

[261] - آل عمران: 26.

[262] - جمعه: 5.